

تفسیر مقاتل بن سلیمان و جایگاه آن

دکتر علی اکبر شایسته نژاد*

تاریخ دریافت: ۸۷/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۸۷/۰۵/۲۰

چکیده

تفسیر مقاتل بن سلیمان، یکی از اولین تفاسیر ترتیبی و مختصر نوشته شده در قرن دوم هجری و آمیزه‌ای از تفسیر لغوی، نقلی، عقلی و اجتهادی است. جنبه لغوی این تفسیر از اهمیت بیشتری برخوردار است.

دربارۀ مذهب مقاتل اختلاف نظر وجود دارد و شخصیت رجالی او توثیق نشده است. ولی علمای اهل سنت برای تفسیر او اهمیت فراوانی قائل شده‌اند. برخی علمای شیعه نیز از آن نقل کرده‌اند. برجستگی‌های این تفسیر عبارتند از: اختصار، عدم نقل قول‌های متفاوت، عدم بیان ثواب قرائت سوره و توجه کافی به مفردات. همچنین خدشه‌دار کردن عصمت پیامبران، سردرگمی در مسئله امامت، ادعای حضور جسمانی خداوند در قیامت و... از ضعف‌های آن است. روش این پژوهش توصیفی، جمع‌آوری اطلاعات بر اساس تحلیل محتوا است.

واژگان کلیدی

مقاتل بن سلیمان، تفسیر اثری، تفسیر اهل سنت، تفسیر لغوی، تفسیر ترتیبی

طرح مسئله

شناخت یکی از اولین تفاسیر قرآن، در دریافت معانی دقیق آیات و اهتمام مسلمانان برای فهم و آموزش این کتاب عزیز نقش مهمی دارد. و در صورتی که مفسر تحت تأثیر شرایط زمانه، نحله‌های مذهبی، سیاسی و اهل تطمیع، سازش و مسامحه نباشد، نزدیکی او به آبخور وحی و عصر صحابه و تابعین، می‌تواند چشم‌انداز لطیفی از رویکرد تفسیر زلال را به روی محقق بگشاید.

از طرف دیگر در قرون اولیه، مفاهیم قرآن دستخوش تطور نشده و هنوز افکار و اندیشه‌های بیگانه در آن نفوذ نکرده و آموزه‌های مکتب پیامبر(ص) و ائمه(علیهم السلام)، شفاف و زلال‌تر در دسترس محقق قرار می‌گرفت.

هم‌زمان بودن مقاتل بن سلیمان با امام باقر(ع) و امام صادق(ع) می‌توانست نقش مهمی در تدوین تفسیری دقیق و اثرگذار ایفا کند.

نوآوری مقاله نسبت به تحقیق شحاته

۱. شحاته از نگاه یک نویسنده اهل سنت به بررسی تفسیر مقاتل پرداخته است و معتقد است که مقاتل شیعه زیدی بوده و این امر موجب شده تا سبب نزول برخی آیات که عبارت آن عام است را به علی(ع) تخصیص دهد. (شحاته، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۲۴۶). وی می‌نویسد: مقاتل در سبب نزول آیه برائت نوشته است که علی(ع) به دستور پیامبر(ص) این مأموریت را از ابوبکر گرفت. آن‌گاه پس از نقل چند روایت از ابن‌کثیر، از بخاری نقل می‌کند که علی و ابوبکر، به اتفاق این مأموریت را انجام داده‌اند. (شحاته، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۲۵۰)

اما نویسنده مقاله، بررسی تفسیر مقاتل را با انگیزه استخراج آموزه‌های لطیف مکتب علوی آغاز کرد؛ ولی متن تفسیر نشان داد که مقاتل از نویسندگان اهل سنت است و از شرایط حضور در دوران امام صادق(ع) و امام باقر(ع)، بهره مناسب را نبرده است.

۲. شحاته پس از بررسی تاریخ تفسیر از عصر پیامبر(ص) تا دوران صحابه، به بررسی زندگی مقاتل بن سلیمان، عقائد، افکار و اندیشه‌های او پرداخته و در رابطه با

تفسیر، به علوم قرآنی و مباحثی چون ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، فواتح سور و... پرداخته و در بررسی واژه‌ها، شواهدی از کتاب اشباه و نظائر وی ذکر کرده است. (رک. شحاته، ۱۴۲۳ق، ج ۵، صص ۶۹-۱۷) تحقیق ایشان در حد یک کتاب است. اما نویسنده بر متن تفسیر تکیه دارد و در حد یک مقاله به تحلیل محتوای آن پرداخته است.

پیشینه

تاریخ التراث العربی در یک بررسی نسبتاً طولانی با نقل عباراتی از تفسیر مقاتل، نوشته است: ابوصالح [یکی از ناقلان تفسیر مقاتل] در برخی موارد، روایات دیگری را بر متن تفسیر مقاتل افزوده است... تفسیر وی چندان مورد اعتبار نبوده؛ زیرا عنان کلام را به دست خیال‌پردازی سپرده، و هر کجا کاستی داشته از منقولات اسرائیلی عاریت گرفته است. (رک. فؤاد سزگین، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۵)^۱ گرچه وجود برخی از اسرائیلیات را در تفسیر مقاتل نمی‌توان انکار کرد، ولی نکات بکر، نوآوری و جایگاه عقل در این تفسیر بسیار شفاف و قابل اعتناست.

کلود ژلیو در مقاله «مقاتل: مفسر بزرگ، محادث و متکلم مطرود»، با بررسی اسناد تفسیر مقاتل و رفع برخی از اتهامات، وثاقت تفسیر را تأیید کرده است. البته یادآور شده است که محدثان، شخصیت رجالی وی را توثیق نکرده‌اند. (تهامی، ۱۳۸۱، ش ۷۶، صص ۱۵۲-۸۴)

شحاته در بررسی روش تفسیری مقاتل، مطالبی درباره اسباب نزول، نسخ، محکم و متشابه، فواتح سور، اسرائیلیات، تشیع مقاتل، آیات مکی و مدنی و کیفیت نزول قرآن، منطبق با نظر عامه بیان کرده است، و مخصوصاً در آیات ولایت، تعصب خاصی ابراز کرده است. مثلاً در جریان اعلام براءت و امثال آن نوشته است: مقاتل روایات با سند ضعیف و بی‌سند را که سبب نزول برخی آیات را به علی و خاندان او اختصاص می‌دهد، بر دیگر روایات ترجیح می‌دهد. (رک. شایسته نژاد، ۱۳۸۷، ش ۹، ص ۲۷)

برخی معتقدند تفسیر مقاتل، تفسیری اجتهادی است. (هاشمی، ۱۳۸۰، ش ۷۵، ص ۲۸). با توجه به این‌که تفاسیری که قبل از تفسیر مقاتل نگاشته شده، فقط به نقل

احادیث پرداخته‌اند، سخنی به‌جا و صحیح است؛ زیرا مقاتل با اجتهاد خویش، تفسیری مناسب برای هر آیه برگزیده است و استنباط نهایی خویش را بدون نقل و نقد نظرات دیگران به خواننده عرضه کرده است. او در تفسیر لغوی، صاحب سبک و ابتکار است و تفسیر او راهگشای مناسبی در شرح واژه‌ها، مفردات قرآنی، وجوه معنایی است و نخستین گام در تفسیر عقلی به شمار می‌رود.

۱. شخصیت مقاتل بن سلیمان

۱-۱. تولد و وفات

مُقاتِل بن سلیمان بن بشیر اُزدی خراسانی مروزی، از مفسران و محدثان قرن دوم، کنیه او ابوالحسن است. همه نویسندگان در تاریخ وفات او به سال ۱۵۰ هـ.ق. در بصره اتفاق نظر دارند. (ابن عدی، ۱۴۰۹ق.، ج ۵، ص ۳۵۴؛ زرکلی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۸۱؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق.، ج ۴، ص ۱۷۵) محل تولد او بلخ است. او در مرو تحصیل علم کرد. پس از مدتی طولانی تدریس در خراسان، به بصره و سپس به بغداد رفت و در آنجا به روایت حدیث پرداخت. و در سال ۱۵۰ هـ.ق. در بصره در گذشت. تاریخ ولادت او به درستی، روشن نیست. از شواهد و قرائن می‌توان دریافت که تولد او حدود سال‌های ۸۰-۷۰ بوده است. (مزی، ۱۴۰۶ق.، ج ۲۸، ص ۴۳۹؛ عسقلانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۰، ص ۲۵۲)

۱-۲. مذهب

در مذهب او اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی او را متمایل به شیعه امامی دانسته‌اند، و جمعی او را شیعه زیدی خوانده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۵ق.، ص ۲۹۰؛ ابن ندیم، بی‌تا، ص ۳۶؛ آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۴)؛ قاموس الرجال وی را پیرو مذهب «بتریه»^۲ دانسته است. (تستری، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۲۳)، در متن تفسیر مقاتل شواهدی بر این‌که او از اهل سنت است، وجود دارد. از آن جمله، پس از تفسیر سوره حمد، نوشته است: «إِذَا قرأ أَحَدُكُمْ هَذِهِ السُّورَةَ فَبَلِّغْ خَاتَمَتَهَا، فَقَالَ: وَلَا الضَّالِّينَ فليقل آمين فإن الملائكة تؤمن فإن وافق تأمين الناس غفر للقوم ما تقدم من ذنوبهم» (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۳۷). در حالی که ذکر آمین، پس از قرائت سوره حمد از نظر شیعه مبطل نماز

است.^۳ معرفت، مقاتل را از مفسرین شیعه دانسته است؛ ولی در نقل تفسیر سوره حمد، قسمت اخیر را ذکر نکرده است. (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۱۶۰-۱۴۸)

علاوه بر آن، مقاتل، بارها در تفسیر خود از عمر و ابابکر، به شیوه اهل سنت تکریم کرده است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۹۰)، شیوه یادکرد او از پیامبر(ص)، امام علی(ع)، ابوبکر، عمر و عثمان و... نیز بر این حقیقت تأکید دارد. محمد (صلی الله علیه و سلم)، علی (رضی الله عنه)، عمر بن الخطاب (رضی الله عنه)، ابی بکر الصدیق (رضی الله عنه)، عثمان ابن عفان (رضی الله عنه)، عبدالرحمن بن عوف الزهری (رضی الله عنه)، عائشه (رضی الله عنها). (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، صص ۱۰۱، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۸۶، ۳۰۵ و ۳۹۹). در بیان سبب نزول آیات نیز غالباً با عامه هماهنگ است. (رک. مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، صص ۲۲۵، ۲۸۲ و ۴۹۱)^۴

۱-۳. شخصیت رجالی

الطبقات الکبری نوشته است: مقاتل بن سلیمان بلخی، صاحب تفسیر، از ضحاک بن مزاحم و عطاء نقل کرده است. اصحاب حدیث از نقل احادیث او دوری گزیده و آن را انکار کرده‌اند. (محمد بن سعد، بی تا، ج ۷، ص ۳۷۳). علمای رجالی دیگر نیز احادیث او را ضعیف شمرده‌اند. عقیلی او را کذاب خوانده است. (عقیلی، ۱۴۱۸ق.، ج ۴، ص ۲۳۸)، عجللی او را متروک الحدیث شمرده است. (عجللی، ۱۴۰۵ق.، ج ۲، ص ۲۹۵) درباره جعل حدیث وی، نقل‌های متعددی وجود دارد. (مزی، ۱۴۰۶ق.، ج ۲۸، ص ۲۲۵؛ ابن حبان، ۱۹۹۳م، ج ۳، ص ۱۴؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق.، ج ۴، ص ۱۷۲).

تاریخ بغداد نوشته است: مقاتل برای تقرب به خلفای عباسی به منصور و مهدی اعلام کرد که آماده است مطابق میل آنان حدیث بسازد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۳، ص ۱۶۷)

مقاتل به تدلیس نیز متهم شده است.^۵ ابراهیم حربی گفته است: مقاتل مجاهد را ملاقات نکرده و چیزی از او نشنیده، بلکه تفسیر او را بدون سماع، گرد آورده است. (مزی، ۱۴۰۶ق.، ج ۲۸، ص ۲۲۵)

۴-۱. غرور علمی مقاتل

برخی از مشایخ گفته‌اند: مقاتل بن سلیمان در مسجد بیروت^۶ می‌نشست و می‌گفت: از هر چه فروتر از عرش است از من سؤال کنید تا شما را آگاه کنم. اوزاعی به مردی گفت: از او سؤال کن میراث فرد از مادر بزرگش چقدر است؟ مقاتل جوابی نداشت. از این رو، بیش از یک شب آنجا نماند و سپس به بغداد رفت. (رازی، ۱۳۷۱ق، ج ۸، ص ۳۵۵؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۱۹۶)

جوزجانی گفته است: دجال جسوری بود. از ابا یمان شنیدم که می‌گفت: به اینجا آمد و پشت به قبله کرد و گفت از من درباره آنچه فروتر از عرش است، پرسید. مردی پرسید: روده‌های مورچه کجاست؟ پس [جوابی نداشت و] ساکت شد. (مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۸، ص ۴۴۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۱۹۶)

۵-۱. انتحال^۷

مقاتل بعضی از سخنان دیگران را بدون ذکر نام آنان، به خود نسبت داده است. از جمله نقل کرده است روزی ابوجعفر منصور نشسته بود و مگسی پی‌درپی بر صورتش می‌نشست و او را به ستوه آورد. خلیفه گفت: ببیند چه کسی بر در است. گفتند: مقاتل بن سلیمان. گفت: او را نزد من آرید. چون مقاتل درآمد، خلیفه به او گفت: آیا می‌دانی که چرا خدا مگس را آفرید؟ گفت: آری. خداوند مگس را آفرید تا ستمگران را خوار سازد. (شحاته، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۶؛ معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۸۳)، در حالی که منابع حدیثی نشان می‌دهد این سخن از امام جعفر صادق(ع) است و مقاتل آن را به خود نسبت داده است. قَالَ الْمَنْصُورُ يَوْمًا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَقَدْ وَقَعَ عَلَى الْمَنْصُورِ ذُبَابٌ فَذَبَبَهُ عَنْهُ ثُمَّ وَقَعَ عَلَيْهِ فَذَبَبَهُ عَنْهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَأَيِّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الذُّبَابَ قَالَ لِيُذِلَّ بِهِ الْجَبَّارِينَ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۱، ص ۳۱۱)

همچنین در تفسیر آیه «آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد، که نهرها از پای درختانش جاری است و هرگونه میوه‌ای برایش به بار آورد و پیری‌اش فرارسیده و فرزندان خرد و ناتوان داشته باشد، ناگاه گردبادی آتشین بر آن بزند و [باغ یک‌سر] بسوزد؟ خدا بدین‌گونه آیاتش را برای شما بیان

می‌کند، تا بیندیشید. (بقره: ۲۶۶)؛ نوشته است: کافر به دنیا بر نمی‌گردد، همان‌طور که پیرمرد، جوان نمی‌شود تا باغی همانند باغ از دست‌رفته خود، غرس کند (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۲۲۲). در حالی که این تشبیه از ابن عباس نقل شده است. (شحاته، ۱۹۸۶م.، ص ۱۵۱؛ حجتی، ۱۳۶۰، ص ۹۸)، ولی مقاتل آن را بدون ذکر نام گوینده نقل کرده است.

و نیز عبارت «و الباقیاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ» را چنین تفسیر کرده است: یعنی سبحان الله، والحمد لله، و لا إله إلا الله، و الله أكبر (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، صص ۵۸۸ و ۶۳۷). در حالی که این عبارت، سخن امام صادق(ع) است. (نوری، ۱۴۰۸ق.، ج ۵، ص ۳۲۵) از نکات فوق به دست می‌آید که مقاتل از این که سخنان دیگران را بدون ذکر مأخذ به نام خود بیان کند، پروایی نداشته است.

۲. تفسیر مقاتل

شیوخ روایت مقاتل عبارتند از: عطاء ابن ابی ربیع، ضحاک بن مزاحم، حماد بن ابی سلیمان، عمرو بن شعیب، ابواسحاق سبعی، قتادة بن دعامة سدوسی، عبدالله بن ذکوان، محمد بن مسلم زهری. (رک. عسقلانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۷، ص ۱۸۰؛ زرکلی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۳۵؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق.، ج ۵، صص ۱۶۵ و ۲۳۱؛ عجللی، ۱۴۰۵ق.، ج ۲، ص ۱۷۹) و ناقلان تفسیر وی عبارتند از: أخبرنا القاضی أبوبکر محمد بن عقیل بن زید الشهرزوری - رضی الله عنه - قال: حدثنا القاضی أبو عبدالله محمد بن علی بن زادلج، قال: حدثنا عبدالخالق ابن الحسن، قال عبیدالله بن ثابت بن یعقوب الثوری المقری، قال: حدثنا أبی، قال: حدثنا الهذیل بن حبیب أبوصالح الزیدانی عن مقاتل بن سلیمان (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۲۵؛ عسقلانی، ۱۴۰۴ق.، ج ۱۰، ص ۲۴۹؛ مزّی، ۱۴۰۶ق.، ج ۲۸، ص ۴۳۵).

۲-۱. اولین تفسیر کامل قرآن

پژوهشگران در تبیین اولین تفسیر نوشته شده، اختلاف نظر دارند. تفسیر ابن عباس، فراء، ابن جریر، سعید بن جبیر، مجاهد بن جبر را اولین تفسیر دانسته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که:

۱. تفسیر ابن عباس به دست ما نرسیده است. مجموعه آرای تفسیری وی که به «تنویر المقیاس فیروزآبادی» و «صحیفه علی ابن ابی طلحه» مشهور است، از لابه‌لای تفاسیر جمع‌آوری شده است. طرق روایی تفسیر ابن عباس به بیش از ۱۴ راوی رسیده که مشهورترین و قابل اعتمادترین آن علی ابی طلحه هاشمی است، و تفسیر کامل قرآن نیست (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۷؛ حجتی، ۱۳۶۰، ص ۹۰).

۲. تفسیری که از فراء در اختیار داریم، شرح کلمات دشوار قرآن است. مثلاً قسمتی از آیه ۱۵۵ سوره اعراف را تفسیر کرده، سپس به قسمتی از آیه ۱۶۰ پرداخته است. حتی اگر فراء اولین مفسر کامل قرآن باشد، مقاتل بن سلیمان و افراد دیگری بر او تقدم دارند؛ زیرا او به سال ۲۰۷ در گذشته، در حالی که مقاتل در سال ۱۵۰ وفات یافته است. البته برخی از محققان معتقدند که فراء تمام قرآن را تفسیر کرده است.^۱

۳. تفسیری که از ابن جریر (۱۵۰ م)، در اختیار داریم، تفسیر کامل قرآن نیست. حتی اگر ابن جریر، تفسیر کاملی داشته باشد، مقاتل بر او مقدم است؛ زیرا گرچه هر دو معاصرند، ولی ابن جریر در کهولت سن به طلب علم همت گمارد، و مقاتل تفسیر خود را در مرو و در دوران جوانی تدوین کرد، پس مقاتل بر او مقدم است. (رک. دایرةالمعارف، بی تا، ج ۵، ص ۳۶۴)

۴. تفسیر سعید بن جبیر (رک. ترندک، ۱۳۷۸) و مجاهد، (رک. مجاهد، بی تا) نیز دربردارنده برخی از آیات قرآن است و تفسیر کامل قرآن نیست.

در نتیجه تفسیر مقاتل، اولین تفسیر کاملی است که اکنون در اختیار داریم و تمام آیات قرآن را به شکل فنی توضیح داده است.

۲-۲. تأثیر مقاتل بر تفسیرهای پس از خود

بسیاری از مفسرین اهل سنت، بارها از مقاتل نقل قول کرده‌اند: ۱. الجامع لأحكام القرآن، (قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱، صص ۱۲۸، ۱۳۸ و ۲۰۵ و ج ۲، صص ۲، ۹۲، ۲۱۰، ۲۹۷، ۳۰۸، ۳۵۱ و ۳۶۶) ۲. زاد المسیر (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، صص ۱۹، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۴ و ۳۵) ۳. فتح القدير (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۳۸، ۷۰، ۹۴، ۱۶۳، ۲۱۶، ۲۲۴، ۲۷۷ و ۲۸۰) ۴. تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، صص ۴۶، ۱۵۱، ۳۵۵، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۵۳ و ۴۹۱) ۵. درالمنثور (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، صص ۹، ۴۲، ۶۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۷۷، ۲۰۳، ۲۸۵ و ۲۸۷) ۶. شواهد التنزیل (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۸۶، ۹۴، ۲۱۱، ۲۱۹، ۲۴۶، ۲۷۵، ۳۴۳، ۳۴۸ و ۴۷۷) ۷. اسباب النزول (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، صص ۳۱، ۳۴، ۴۳، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۷ و ۱۴۶).
برخی از مفسران شیعی نیز از او نقل قول کرده‌اند: نهج البیان عن کشف المعانی القرآن (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ص ۵ و ج ۱، صص ۷۲، ۷۵، ۷۶، ۹۱، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶ و ۱۵۲)^۹ و مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۱، صص ۱۱۳، ۱۴۴، ۲۹۵، ۳۵۹ و ۳۱۵ و ج ۲، صص ۵۴۱، ۶۰۵، ۶۱۸، ۶۳۳، ۶۷۴، ۶۷۷، ۷۰۶ و ۷۳۲) بیش از دویست مورد آرای تفسیری مقاتل را گزارش کرده است.^{۱۰}

۲-۳. ارزش تفسیر مقاتل

دانشمندان شیعه درباره ارزش و اهمیت تفسیر مقاتل سخنی نگفته‌اند. اما علمای اهل سنت آن را ستوده‌اند. امام شافعی گفته است: هرکس که بخواند در تفسیر قرآن، تبحر یابد، جیره‌خوار مقاتل بن سلیمان است. مقاتل بن حبان گفته است: دانش مقاتل بن سلیمان همانند دریاست. (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۷۳). وقتی عبدالله بن مبارک تفسیر مقاتل را دید، گفت: چه تفسیر نیکو و عظیمی است، اگر اسناد می‌داشت. عباد بن کثیر گفته است: کسی عالم‌تر از مقاتل به کتاب خدا نیست. و حماد بن ابی حنیفه گفته است: مقاتل در تفسیر، آگاه‌تر از کلبی است. (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۳۵۸)
تفسیر مقاتل به دلیل قدمت، حجم مناسب، پرهیز از غلو و نسبت‌های ناروا، سادگی و روانی در بیان مطالب و پرهیز از اطاله کلام، عدم طرح اختلاف نظرها، پرهیز

از نقل ثواب قرائت سور و آیات (که بسیاری از آنها، اصالت ندارد)، از جایگاه مناسبی برخوردار است.

۳. آثار مقاتل بن سلیمان

مقاتل علاوه بر تفسیر کامل قرآن، آثار دیگری از خود برجای گذاشته است که عبارت‌اند از: *نوادر التفسیر، الناسخ و المنسوخ، الرد علی القدریه* (از این سه کتاب وی اثری در دست نداریم)، *تفسیر خمسمائة آیه من القرآن الکریم، (الوجه) الأشباه و النظائر فی القرآن الکریم، متشابه قرآن، الأقسام و اللغات و الآیات المتشابهات*. (ابن ندیم، بی تا، ص ۲۲۸؛ شحاته، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۷۲). کتب اخیر توسط محققان مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

۴. روش نگارش تفسیر

مقدمه تفسیر مقاتل، با بیان شیوه اخذ آن از دانشمندان پیشین و شیوه نقل آن آغاز شده و سپس به نقل احادیثی درباره وجوه نزول قرآن، لزوم تلاش برای تأویل آیات، مرتبت و منزلت آیات قرآن، روایت عدم تجاوز از آموختن ده آیه قرآن در زمان رسول خدا(ص) قبل از عمل به آن، چهار وجه قرآن از نظر ابن عباس، شمول قرآن بر عام و خاص، ناسخ و منسوخ و... و اجر و پاداش تعلیم و تعلّم قرآن پرداخته، و با بیان روایاتی در عظمت و جایگاه سوره حمد، تفسیر خود را آغاز کرده است.

وی در تفسیر هر سوره، ابتدا نام سوره، سپس مکی یا مدنی بودن و تعداد آیات را ذکر کرده و اگر نظر خلافی درباره محل نزول وجود داشته، بیان کرده است؛ ولی به نفی و اثبات آن نپرداخته است. در چند مورد به نام دیگر سوره اشاره کرده است؛ مانند: توبه (برائت)؛ إسرائ (بنی اسرائیل)، غافر (مؤمن)، ممتحنه (امتحان)، عبس (الاعمی) او نخست کلمه یا قسمتی از آیه را آورده و پس از توضیح مفهوم آن، به بیان روایتی از پیامبر(ص) یا صحابه و در مواردی به ذکر رویداد تاریخی و سبب نزول آن پرداخته است و در هیچ یک از موارد به نقل سند، اهتمام نداشته است. شماره آیه را در پایان آیه ذکر کرده و توضیح قسمت اخیر پس از شماره آیه آمده است. «ختمَ اللهُ عَلَی

قُلُوبِهِمْ» یعنی طبع الله على قلوبهم فهم لا يعقلون الهدى «وَعَلَى سَمْعِهِمْ» یعنی آذانهم فلا يسمعون الهدى. «وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ» یعنی غطاء فلا يبصرون الهدى. «وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» یعنی وافر لا انقطاع له. نزلت هاتان الآيتان في مشركي العرب منهم شيبه و عتبة ابنا ربيعة، و الوليد ابن المغيرة، و أبو جهل بن هشام - اسمه عمرو- و عبدالله بن أبي أمية، و أمية بن خلف، و عمرو بن وهب، و العاص بن وائل، و الحارث بن عمرو، و النضر بن الحارث، و عدی بن مطعم بن عدی، و عامر بن خالد، أبوالبختري بن هشام. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۸۸)

در جای دیگر می نویسد: «وَمَنْ لَا يُجِبُّ دَاعِيَ اللَّهِ» یعنی محمداً - صلى الله عليه و سلم - إلى الإيمان، «فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ» يقول فليس بسابق الله فيفوته هرباً في الأرض، حتى يجزيه بعمله الخبيث، «وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ» یعنی ليس له «أقرباء يمنعونه من الله - عز وجل - أولئك الذين «لا يجيبون» إلى الإيمان في ضلالٍ مبينٍ یعنی بین هذا قول الجن التسعة فأقبل إلى النبي - صلى الله عليه و سلم - من الذين أُنذروا مع التسعة تكلمة سبعين رجلاً من الجن من العام المقبل فلقوا النبي - صلى الله عليه و سلم - بالبطحاء، فقرأ النبي - صلى الله عليه و سلم - القرآن و أمرهم و نهاهم (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۲۸)

۴-۱. معنای واژه‌ها در تفسیر مقاتل

تفسیر مقاتل در ترجمه واژه‌ها، از برجستگی و امتیاز ویژه‌ای برخوردار است.

۴-۱-۱. ارائه معنای مناسب و روان

بسیاری از واژه‌ها را بسیار ساده و روان معنا کرده است. مانند:

حَنِيفًا یعنی مخلصاً؛ فَلَنُؤَلِّيَنَّكَ یعنی لنحولنک؛ شَطْرَ یعنی تلقاء؛ مِنْ الْمُؤْمَرِينَ یعنی من الشاكين؛ وَبَثَّ فِيهَا یعنی و بسط؛ أَلِيمٌ یعنی وجيع؛ أَوْلَى الْأَلْبَابِ یعنی من كان له لب أو عقل؛ تَقَفَّتْهُمْ یعنی أين أدرکتهم في الحل و الحرم؛ وَهُوَ كُرَّةٌ لَكُمْ یعنی مشقة لكم؛ زَيْغٌ یعنی ميل عن الهدى و هو الشك؛ الرَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ، يقول مسلطون على النساء؛ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَى یعنی جاراً بينك و بينه قرابة؛ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ یعنی من

قوم آخرین؛ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ يَقُولُ الرِّفِيقُ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضْرَةِ؛ وَ لَا آمِنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ
یعنی متوجهین نحو البیت و... (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۶۸)

۴-۱-۲. استناد به آیات قرآن

مقاتل برخی واژه‌ها را با کمک آیات دیگر شرح داده است. مانند:
«... ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ...» (بقره: ۱۷)، نور یعنی ایمان. مانند آیه: «... وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ
لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور: ۴۰) و آیه: «... وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...» (انعام: ۱۲۲).
«... صَلَوَاتٍ مِنْ رَبِّهِمْ...» (بقره: ۱۵۷) یعنی طلب آمرزش. مانند آیه: «... وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ»
یعنی استغفر لهم «إِنَّ صَلَاتَكَ» یعنی استغفارک «سَكَنَ لَهُمْ...» (توبه: ۱۰۳).
«... لِمَثُوبَةٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...» (بقره: ۱۰۳) یعنی ثواب و پاداش مانند آیه: «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ
بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةٍ عِنْدَ اللَّهِ...» (مائده: ۶۰)
«... جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...» (بقره: ۱۴۳) یعنی عدلاً مانند آیه: «قَالَ أَوْسَطُهُمْ...»
(قلم: ۲۸) یعنی عادل‌ترین آنان. نیز «... مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ...» (مائده: ۸۹) یعنی از
معتدل‌ترین (مناسب‌ترین) چیزی که به خانواده خود می‌دهید. «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً
وَسَطًا...» (بقره: ۱۴۳) یعنی امت محمد(ص)، در آخرت به عدل میان پیامبران و امت‌های
آنان، شهادت می‌دهند.
«... كُتِبَ عَلَيْكُمْ...» (بقره: ۱۷۸) یعنی برای شما مقرر کرد، مانند آیه: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ
الْقِتَالُ...» (بقره: ۲۱۶) برای شما نوشت و آیه: «... مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ...» (حدید: ۲۷) یعنی
[رهبانیت] را برای آنان مقرر نکردیم.

۴-۱-۳. واژه‌های غیر عربی

مقاتل به واژه‌هایی که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی شده نیز اشاره کرده است؛
مانند: حُوبًا كَبِيرًا یعنی إثمًا كبيراً بلغة الحبش و قد كان أهل الجاهلية يسمون الحوب
الإثم. (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۵۶)، لَأَوَّاهٌ یعنی لموقن بلغة الحبشة (مقاتل، ۱۴۲۳ق،
ج ۲، ص ۱۹۹)

فَصْرُهُنَّ إِلَيْكَ بِلُغَةِ النَّبِطِ صِرْهَنَ قَطْعِهِنَّ، و اخلط (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۲۱۸)؛
لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ يَعْنِي مَفَاتِيحَ بِلُغَةِ النَّبِطِ (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۷۶۵)؛ وَ الطُّورِ
يعْنِي الْجِبَلِ بِلُغَةِ النَّبِطِ (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۱۴۳)

۴-۱-۴. اجتهاد در معنای واژه‌ها

گاه با توضیح خود مفهوم، واژه را محدود کرده، معنای وسیع و کلی آن را به یک مورد خاص نسبت می‌دهد؛ مانند: «... إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ...» (بقره: ۱۳۰) یعنی خسران نفس اهل کتاب؛ «... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ...» (بقره: ۱۸۵) یعنی مدارای دین با مریض و مسافر درباره روزه؛ «... بِالطَّاغُوتِ...» (بقره: ۲۵۶) یعنی الشیطان.

برخی از توضیحات وی نیز ناروا بوده، بر هیچ دلیلی استوار نیست؛ مانند: «... وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (مائده: ۱۰۳) می‌نویسد: از هر نهصد و نود و نه نفر، یک نفر به بهشت می‌رود. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۲۴۲)؛ «... هَذَا بَعْلِي شَيْخًا...» (هود: ۷۲) یعنی هفتادساله است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۲۹۱)؛ «... دَرَاهِمَ مَعْدُودَةَ...» (یوسف: ۲۰) یعنی بیست درهم. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۳۲۵)؛ «... ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ مِنْ بَطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ...» (حج: ۵) یعنی هجده تا چهل سال. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۱۱۵)؛ «فِي بَضْعِ سِنِينَ...» (روم: ۴)، بضع سنین یعنی پنج، هفت تا نه سال. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۴۰۶)؛ «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ...» (فجر: ۲۳) در فاصله پانصد سال می‌آیند، هر کدام هفتاد هزار زمام دارند و بر هر زمام، هفتاد هزار فرشته است (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۶۹۱)

۴-۱-۵. وجوه معنایی

یکی از نکات مهم در ترجمه آیات، توجه به معانی مختلف واژه‌هاست. برخی از واژه‌ها دارای معانی متعدد هستند و به تناسب هر آیه باید از معنای خاص آن استفاده شود. مقاتل در این باره کتاب مستقلی نیز دارد. برخی از وجوه معنایی واژه‌ها در این تفسیر عبارتند از:

در ترجمه «دین» در آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (فاتحه: ۴) نوشته است: یعنی يوم الحساب (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۳۶) و در آیه «اصْطَفِيْ لَكُمْ الدِّيْنَ...» (بقره: ۱۳۲) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۱۴۰) و «... حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ...» (بقره: ۲۱۷) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۱۸۱) نوشته است یعنی دین الاسلام و در آیه «إِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» (آل عمران: ۱۹) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۳۶۷) نوشته است یعنی توحید.

در ترجمه «حسنه» در آیه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...» (انعام: ۱۶۰) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۵۹۹) نوشته است: بالتوحید و العمل الصالح و در آیه «ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ...» (اعراف: ۹۵)، الرخاء (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۵۰)

در آیه «فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ...» (اعراف: ۱۳۱) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۵۶)، حسنه را الخير و الخصب و در آیه «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ...» (رعد: ۶) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۳۶۸)، العافية و در آیه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا...» (نمل: ۸۹) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۳۵۸)، بكلمة الإخلاص و هي «لا إله إلا الله وحده لا شريك له»

واژه «شر» را در آیه «... وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُؤْسَأُ» (اسراء: ۸۳) به معنای فقر (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۵۷۴) و در آیه «... وَتُبْلُوَكُمْ بِالشَّرِّ...» (انبیاء: ۳۵) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۷۸) و آیه «... وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُؤْسُ قَنُوطٌ» (فصلت: ۴۹) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۷۴۸) به معنای بلا و شدت و در آیه «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله: ۸) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۷۹۱) به گناه تفسیر کرده است.

واژه «خیر» را در آیه «... إِنْ تَرَكَ خَيْرًا...» (بقره: ۱۸۰) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۱۵۹) به معنای مال و در آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (زلزله: ۷) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۷۹۱) به معنای کار نیک تفسیر کرده است.

فاحشه را در آیه «وَاللَّائِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ...» (نساء: ۱۵) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۳۶۲) به معنای المعصية و هي الزنا و در آیه «... إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ...» (نساء: ۱۹) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۳۶۴) به معنای العصيان البين و هو النشوز و در آیه «... إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا» (نساء: ۲۲) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۳۶۶) به معنای

معصیت و در آیه «... أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا...» (اعراف: ۸۰) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۴۷) به معنای اِتیان الرجال، گرفته است.
حکم را در آیه «ما كان ليشتر أن يؤتیه الله الكتابَ والحکمَ والنُّبوءَ...» (آل عمران: ۷۹) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۲۸۶)، به معنای فهم و در آیه «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ...» (قلم: ۴۸؛ انسان: ۲۴) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۵۳۳) به معنای داوری گرفته است.

۴-۲. علوم قرآنی در تفسیر مقاتل

مقاتل بن سلیمان، درباره علوم قرآنی، بحث مجزایی نکرده است. از بررسی مجموع چهار جلد تفسیر وی نکاتی را می توان یافت که عبارتند از:

۴-۲-۱. مکی و مدنی

مقاتل ۲۴ سوره را مدنی و ۸۸ سوره را مکی دانسته و درباره دو سوره انشراح و حدید اظهار نظر نکرده است؛ در حالی که در مجمع البیان ۲۸ سوره، مدنی و ۸۶ سوره، مکی شمرده شده است.

۴-۲-۲. ناسخ و منسوخ

مقاتل می نویسد: خداوند آنچه را که بخواهد از قرآن نسخ یا اثبات می کند، و آنچه را بخواهد نسخ نمی کند؛ زیرا ام الكتاب نزد اوست. یعنی ناسخ و منسوخ قرآن در ام الكتاب و در لوح محفوظ وجود دارد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۱۲۹) او ۴۴ آیه را منسوخ می داند، و مدعی است ۱۶ آیه با آیه سیف (توبه: ۵) نسخ شده است.^{۱۱} بررسی ها نشان می دهد که برخی از آیاتی که منسوخ خوانده شده اند، از مصادیق عام و خاص، تغییر شرایط حکم، استحباب و... است. (رک. معرفت، ۱۴۱۸ق.).

۴-۲-۳. قرائت

مقاتل به اختلاف قرائت پرداخته است و فقط در چند مورد به قرائت ابن مسعود و یک مورد به قرائت ابی بن کعب اشاره کرده است. در ترجمه برخی واژه ها، توجه به قرائت دیگری نیز وجود دارد؛ برای نمونه «حتی یطهرن» را به معنای «حتی یغتسلن» (مقاتل،

۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۱۹۲) گرفته است که نشان می دهد قرائت «يَطَهَّرْنَ» را ملاک دانسته است.

۴-۲-۴. محکم و متشابه

مقاتل از تبیین محکم و متشابه، به سادگی گذشته و فقط نوشته است: آیات ۱۵۱-۱۵۳ سوره انعام، محکم و حروف مقطعه الم، المص، المر، الر، متشابه است.^{۱۲} (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، صص ۲۶۴-۲۶۲) وی توضیح بیشتری درباره این اصطلاح مهم قرآنی نداده است.

۴-۲-۵. حروف مقطعه

درباره حروف مقطعه نظرات مختلفی وجود دارد. مقاتل آن را به حساب جمل تفسیر کرده است. و از قول جدی نوشته است: ما این حروف را منهای حرف های تکراری حساب کردیم، جمع آنها هفت صد و چهل و چهار شد که رقم بقیه مدت عمر این امت می باشد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۸۴). بسیاری از محققان آن را ناروا دانسته اند. (رک. شوکانی، ۱۴۱۴ق.، ج ۱، ص ۲۷؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق.، ج ۷، ص ۶؛ حجتی، ۱۳۶۸، ص ۷۸)

۴-۲-۶. سبب نزول

مقاتل در تفسیر خود ۲۹۱ مورد سبب نزول، نقل کرده است. بسیاری از سبب نزول هایی که آورده است، با تفاسیر اهل سنت منطبق است. برخی از آنها عبارتند از: در سبب نزول آیه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...» (بقره: ۲۱۹) و نیز «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى...» (نساء: ۴۳)، امام علی (ع) را متهم به شراب خواری کرده است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، صص ۱۸۸ و ۳۷۴). در آیه «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ...» (توبه: ۱۱۳)، عبدالله، پدر پیامبر (ص) و ابوطالب، پدر علی (ع) را مشرک معرفی کرده است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۱۹۹).

سبب نزول آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...» (بقره: ۲۰۷)، را صهیب بن سنان می‌خواند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۱۷۹).

و در سبب نزول آیه «... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ بَتَّهِلْ فَتَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيِ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۶۱)، که در جریان مباحله نازل شده است، می‌نویسد: عمر (به پیامبر(ص)) گفت: اگر نفرین کنند، دست چه کسی را می‌گیری؟ فرمود: علی(ع)، فاطمه، حسن و حسین، حفصه و عایشه (رحمهما الله) (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۲۸۲).

در شرح آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَي حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا» (انسان: ۸)، می‌نویسد: درباره‌ی ابی‌دحداح انصاری می‌داند و می‌نویسند: گفته‌اند درباره‌ی علی(ع) نازل شده است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۵۲۵).

در سبب نزول آیه «فَأَمَّا مَن أُعْطِيَ وَ اتَّقَى . وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى» (اللیل: ۶-۵)، می‌نویسد: در مورد ابی‌بکر صدیق (رحمة الله علیه) نازل شد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۷۲۲).

و در سبب نزول آیه «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ...» (احزاب: ۳۳)، می‌نویسد: منظور از اهل بیت(علیهم السلام)، زنان پیامبر(ص) هستند؛ زیرا در خانه او بودند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۴۸۹)

در همه‌ی موارد فوق، جایگاه اهل بیت(علیهم السلام) را تضعیف و برای دیگران فضیلت تراشی کرده است. در حالی که مفسرین اهل سنت، اهل بیت(علیهم السلام) را سبب نزول آیات فوق دانسته‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۱، ص ۳۱۹؛ بلخی، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۲۸۲؛ جصاص، ۱۴۰۵ق.، ج ۲، ص ۲۹۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۸، ص ۲۴۷؛ رک. شایسته نژاد، ۱۳۸۷، ش ۹، ص ۲۸)

۵. مسائل کلامی

۵-۱. اعتقاد به تجسم خدا

در تفسیر آیات متشابه به تشبیه گراییده و حضور خدا و رؤیت او را در قیامت قطعی می‌داند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۵۹۸ و ج ۲، ص ۲۳۶ و ج ۴، صص ۵۱۲ و ۶۹۱)

«ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى» (نجم: ۸)؛ خداوند به محمد نزدیک شد و در آن شب پیامبر(ص)، تا آسمان هفتم سیر کرد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۱۶۰)
 «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (فجر: ۲۲)؛ آسمان‌ها و زمین شکافته می‌شود و فرشتگان از آسمان فرود می‌آیند و هر گروه جداگانه می‌ایستند. آن‌گاه خداوند تبارک و تعالی می‌آید. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۶۹۱)

۵-۲. نفی عصمت انبیا

مقاتل بارها عصمت پیامبران پیشین و پیامبر اسلام(ص) را خدشه‌دار کرده است.

۵-۲-۱. پیامبران پیشین

در تفسیر آیه «... وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه: ۱۲۱) نوشته است: پس گمراه شد و از اطاعت فرمان خداوند روی گرداند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۴۴)
 در تفسیر آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَ هَمَّ بِهَا...» (یوسف: ۲۴) می‌نویسد: یوسف شلوار خود از پای بیرون آورد و بین پاهای زلیخا نشست و چون یعقوب را دید که انگشت بر دهان می‌گزد، به او پشت کرد (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، صص ۳۲۸-۳۲۷).
 در مورد حضرت ابراهیم(ع) می‌نویسد: ابراهیم سه خطا کرد، ساره را خواهر خود خواند، و گفت من بیمارم، و گفت: بت‌ها را بزرگشان شکسته است. یکی را برای خودش و دو تا را برای خدا گفت. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۲۶۹). این اتهامات از اسرائیلیاتی است که از طریق افرادی چون کعب الاحبار وارد کتب تفسیری مسلمانان شده است.

۵-۲-۲. پیامبر اسلام(ص)

در تفسیر آیه: «... وَ لَا تَكُنْ لِلْخَائِثِينَ خَصِيْمًا. وَ اسْتَغْفِرِ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا» (نساء: ۱۰۶-۱۰۵) می‌نویسد: یعنی ای محمد(ص) با طعمه (یهودی) جدل کردی و او را دروغگو شمردی، پس او را از سرقت تبرئه کن. آن‌گاه پیامبر استغفار کرد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۴۰۵).

در تفسیر آیه: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا. لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ» (فتح: ۱-۲)، نوشته است: تا خداوند به وسیله اسلام، گناهان متقدم، یعنی در دوران جاهلیت، و گناهان متأخر، یعنی گناهان بعد از نبوت تو را ببخشد و به وسیله اسلام تو را بر دشمنان پیروز گرداند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۶۶).

افسانه ساختگی غرانیق را به پیامبر(ص) نسبت می‌دهد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، صص ۱۳۲ و ۶۸۰)، در حالی که در سوره نجم، شواهد فراوانی بر عدم صحت چنین تهمتی وجود دارد. (رک. فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۲۳، ص ۵۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق.، ج ۹، ص ۲۶۰)^{۱۳}

در تفسیر آیه ۳۶ سوره احزاب می‌نویسد: وقتی پیامبر زینب (سلام الله علیها) را نصیحت می‌کرد، از زیبایی و نیکویی او به شگفت آمد...، به زید گفت: پروای الهی پیشه کن و همسرت را به نیکی حفظ کن. در حالی که در قلبش چیز دیگری بود. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، صص ۴۹۵-۴۹۳)

در تفسیر آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» (فلق: ۱) می‌نویسد: ابن اعصم یهودی، پیامبر(ص) را سحر کرد... پیامبر(ص)، سه شب به شدت بیمار شد و زنان ناله کردند. دو فرشته آمدند، گفتند سحر در چاه فلان است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۹۳۳)

مقاتل با نفی مقام عصمت پیامبر(ص) و احتمال نفوذ سحر در ایشان، جایگاه نبوت و نقش الگویی هدایت وی را متزلزل کرده است.

۳-۵. مسئله امامت

در مسئله امامت و جانشینی پیامبر(ص) به شدت دچار تناقض گویی شده است. «... أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ...» (نساء: ۸۳) را فرماندهان لشکر تفسیر کرده است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۳۹۳)

علی(ع) را مصداق آیه انفاق در رکوع معرفی می‌کند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۴۸۶). در جریان اعلام برائت، نقل می‌کند که پیامبر(ص)، مأموریت را از ابوبکر به علی(ع) منتقل کرد؛ زیرا این کار را فقط باید فردی که از خاندان اوست، انجام دهد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۱۵۵)

در تفسیر آیه «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» (مائده: ۵۶)، می نویسد: یعنی علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) یعنی شیعه خدا و رسولش و کسانی که ایمان آورند، غالب و پیروزند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۴۶۸)

در تفسیر آیه «وَأَتَقُوا فِتْنَةَ لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً...» (انفال: ۲۵)، می نویسد: خدا شما را از فتنه‌ای که برایتان پیش می آید، برحذر می دارد. روز جمل با علی بن ابی طالب باشید. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۱۰۸)

در تفسیر آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ...» (توبه: ۱۰۰)، می نویسد: کسانی هستند که به سوی دو قبله نماز گزارند، علی بن ابی طالب (ع) و ده نفر از اهل بدر (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۱۹۱)

در جریان صلح حدیبیه می نویسد: پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: تو نیز به چنین روزی مبتلا می شوی. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۳۷۸)

اما در دهها مورد نیز به بیان فضیلت ابابکر، عمر، عایشه، عمرو بن عاص و... می پردازد. در تفسیر آیه «... فَإِنْ طِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا...» (فتح: ۱۶)، می نویسد: اگر در مبارزه با آنان از ابابکر اطاعت کنید، خداوند در قیامت به شما اجر فراوان می دهد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۷۳)

در تفسیر آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (واقعه: ۱۰)، می نویسد: پیامبر (ص)، ابابکر و علی رضی الله عنهما، در ایمان به خدا و رسولش بر همه امت پیشی گرفته‌اند و آنان نزد خداوند، برترین درجات و فضیلت‌ها را دارند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۲۱۶)

در تفسیر آیه «مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يُثَخِّنَ فِي الْأَرْضِ...» (انفال: ۶۷)، می نویسد: به دستور پیامبر (ص)، هر یک از اسرای بدر که سواد داشت ولی قدرت فدیه نداشت، باید به ده کودک نوشتن بیاموزد تا آزاد شود. ... آن‌گاه در مورد سایر اسرای بدر با یاران خود، مشورت کرد. عمر گفت: آنها را بکشیم. ابوبکر که مهربان بود، گفت: آنها را نکشیم... پیامبر (ص) نیز چون مهربان بود، رأی ابوبکر را پسندید. سپس این آیه نازل شد. پیامبر (ص) به عمر گفت: خداوند را سپاس بگو، که سخن تو را تأیید کرد. عمر خدا را شکر کرد. آن‌گاه پیامبر (ص) فرمود: اگر عذابی از آسمان نازل می شد، جز عمر کسی نجات نمی یافت. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۱۲۵)

چنان که ملاحظه می‌فرمایید، منزلت عمر از مقام پیامبر هم بالاتر معرفی شده است!!

۶. مسائل تاریخی

مقاتل در طرح مسائل تاریخی نیز به بیان مطالبی خلاف واقع و منطبق بر مذهب اهل سنت پرداخته است. دو نمونه از این مسائل عبارتند از:

۱-۶. در تفسیر آیه «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً...» (ممتحنه: ۷)، ازدواج پیامبر(ص) با ام حبیبه، دختر ابو سفیان، را زمان فتح مکه می‌دانند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۴، ص ۳۰۲). در حالی که پیامبر اسلام(ص) در مدینه با وی ازدواج کرده است. (ابن اثیر، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۵)^{۱۴}

۲-۶. مقاتل می‌نویسد: اسحاق بر ذبح استقامت و صبوری کرد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۶۴۸). گرچه قرآن ذبیح را معین نکرده است. از دقت در آیات می‌توان دریافت که اسحاق، ذبیح نبوده است؛ زیرا خداوند به ابراهیم بشارت فرزندى به نام یعقوب، از نسل اسحاق می‌دهد؛ یعنی زنده ماندن و صاحب فرزند شدن او تضمین شده است، پس او قربانی نیست. (رک. قرطبی، ۱۳۶۴ق.، ج ۱۶، ص ۱۰۱؛ سید قطب، ۱۴۰۰ق.، ج ۴، ص ۲۴۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲۱، ص ۲۸)

۳-۶. در تفسیر آیه «... فَأَخْلَعُ نَعْلَيْكَ...» (طه: ۱۲)، می‌نویسد: یعنی کفش‌های خود را که از پوست الاغ و ناپاک است، بیرون بیاور. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۲۲)
بررسی فوق نشان می‌دهد که مقاتل بدون تعمق در اصالت و صحت مسائل تاریخی، به نقل تاریخ پرداخته است.

۷. مباحث فقهی

مقاتل در تفسیر خود نسبت به مباحث فقهی اهمیتی ندارد؛ احتمالاً به دلیل آن‌که در کتاب دیگر خود یعنی «آیات الاحکام» به آن پرداخته است. اما از اشارات وی می‌توان برخی مبانی فقهی وی را دریافت.

در آیه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...» (مائده: ۶)؛ وضو را مطابق فقه شیعی تفسیر می‌کند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۴۵۵)

«... وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳)؛ انفاق را زکات واجب تفسیر کرده است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۸۱)

«الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ...» (بقره: ۱۹۷)؛ احرام حج را در شوال، ذی‌قعدة و ده روز ذی‌حجه می‌داند. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۱۷۳)

در تفسیر آیه «... عَلَيَّ الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةً...» (بقره: ۱۸۴)، می‌نویسد: منظور کسی است که مریض یا مسافر نیست؛ ولی روزه او را به زحمت می‌اندازد. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۱۶۰)

در تفسیر آیه «... وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ يَعْنَى الْمُؤْمِنِينَ «حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...» (آل عمران: ۹۷)، می‌نویسد: منظور از استطاعت، امکانات و مرکب سفر است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۲۹۱)

در آیه «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ...» (مائده: ۴۲) و «... أَكَلِهِمُ السُّحْتِ...» (مائده: ۶۲) نوشته است: الرشوة فی الحكم (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، صص ۴۷۸ و ۴۸۹). در حالی که سحت اعم از رشوه است و به هر مال حرامی گفته می‌شود.

نتیجه این که مقاتل در تفسیر آیات/احکام، به اهل سنت گرایش دارد و بارها مفاهیم کلی را در مواردی خاص محصور کرده است.

۸. حدیث در تفسیر مقاتل

در تفسیر مقاتل، ۱۰۲ روایت به شرح زیر وجود دارد. بسیاری از روایات تفسیر مقاتل، دارای زنجیره سند نیست؛ یعنی مرسل^{۱۵} و مرفوع^{۱۶} است. وی درباره صحت و ضعف و قوت روایات سخنی نگفته است. گونه‌های حدیث در تفسیر مقاتل عبارتند از:

۱-۸. متن برخی روایات آن با روایات متون شیعی هماهنگ است. مانند: روایت «أعطيت بالتوراة السبع الطوال و هن القرآن، و أعطيت بالإنجيل المثاني...». (مقاتل،

۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۲۸) که با روایت «و أُوتِيَتْ السَّعِ الطَّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ...» هماهنگ است. (صدوق، ۱۳۷۸ق.، ج ۲، ص ۲۷۰)

و روایت «من أحبني فقد أحب الله، و من أطاعني فقد أطاع الله». (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، ص ۳۹۱) با روایت «و قَالَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْيُحِبِّي» (نوری، ۱۴۰۸ق.، ج ۲، ص ۲۲۵) هم معناست.

۲-۸. برخی از روایات تفسیر وی عصمت پیامبران (علیهم السلام) را مخدوش کرده است. این مطالب را بدون بررسی صحت آنها از کتب پیشین، نقل کرده است. مانند این که:

الف. در شرح آیه ۶۹ سوره احزاب، حضرت موسی (ع) عریان به دنبال لباس خود می دود (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۵۰۹)، تفسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲ق.، ج ۸، ص ۵۸۴) و المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶، ص ۳۵۳) به نقد آن پرداخته اند.

ب. در شرح آیه ۲۱ سوره ص می نویسد: حضرت داود (ع) به همسر فرمانده اش، تمایل داشت. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۶۴۰)، حضرت سلیمان (ع) اسیر جن می شود. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۲، ص ۶۴۴). مجمع البیان، (طبرسی، ۱۳۷۲ق.، ج ۸، ص ۸۳۶) و المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۷، ص ۱۹۴) آن را مورد بررسی قرار داده اند.

۳-۸. برخی روایات تفسیر مقاتل، با مبانی عقلی و حسی ناسازگار است؛ مانند: روایت «رأى محمد - صلى الله عليه و سلم - ربه - جل جلاله - مرتين، و عصى آدم - عليه السلام - ربه - تعالى - مرتين». (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۲۳). و روایت «لما خلق الله - عزوجل - جنة الفردوس و غرسها بیده» (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۳، ص ۴۹)

۴-۸. بسیاری از روایات تفسیر مقاتل از صحابه نقل شده است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق.، ج ۱، صص ۱۴۸، ۲۶۵ و ۲۷۰ و ج ۲، صص ۴۲۲، ۵۳۴ و ۵۸۸ و ج ۳، صص ۴۷۴، ۵۷۶ و ۵۹۳ و ج ۴، صص ۲۸۷ و ۵۲۳)

۵-۸. در منابع شیعی، به واسطه مقاتل ۵ حدیث از امام صادق (ع) نقل شده است (رک. کلینی، ۱۳۸۸ق.، ج ۸، ص ۲۲۲؛ صدوق، ۱۴۲۲ق.، ص ۱۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲، ص ۲۲۶ و ج ۴، ص ۱۲۵ و ج ۲۷، ص ۲۵۴) این احادیث در تفسیر وی وجود ندارد.

جمع‌بندی

۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان، در قرن دوم نگارش یافته است، و آمیزه‌ای از تفسیر لغوی، نقلی و عقلی، اجتهادی است. و اولین تفسیر ترتیبی کامل قرآن است که اکنون در اختیار داریم.
۲. مقاتل به‌خلاف روش تفسیری رایج آن دوران، فقط به نقل روایت اکتفا نکرده و از نیروی اندیشه نیز بهره برده است.
۳. این تفسیر به دلیل حجم مناسب، پرهیز از بیان اختلاف نظرها، پرهیز از بیان ثواب قراءات و... قابل اعتناست.
۴. در مباحث صفات خدا، عصمت پیامبران، مسئله امامت و... دارای نقاط ضعف فراوانی است، که ناشی از تأثیرپذیری از شرایط زمانه، استفاده از اسرائیلیات و نقل قول‌های ضعیف است.
۵. واژه‌شناسی تفسیر، به دلیل روانی، استناد به آیات، توجه به وجوه معنایی مفید و... قابل استفاده است؛ ولی اجتهادهای بی‌اساسی نیز دارد.
۶. احادیث تفسیر مقاتل، مرسل و مرفوع بوده و برخی از آنان، ضعیف و از اسرائیلیات هستند.
۷. برخی از مباحث تاریخی این تفسیر، از استحکام کافی برخوردار نیستند.
۸. در آیات احکام، به تفضیل سخن نگفته است؛ زیرا در کتاب دیگر خود به این امر اهتمام ورزیده است.

یادداشت‌ها

۱. بررسی عدم صحت نظرات فؤاد سزگین، درباره تفسیر مقاتل بن سلیمان نیازمند نگارش جداگانه‌ای است.
۲. بُتر (به ضم باء، جمع بُتر)، فرقه‌ای از زیدیه هستند که می‌گویند: ابوبکر و عمر امام بوده‌اند؛ گرچه با وجود علی(ع)، امت در بیعت با آنها مرتکب اشتباه شده است؛ لکن این خطا موجب فسق آنها نمی‌شود. ولی درباره عثمان، توقف کرده‌اند. (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲۱)

۳. و لا يجوز عندنا ان يقول القارئ عند خاتمة الحمد، أمين. فان قال ذلك في الصلاة متعمداً، بطلت صلاته (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶)
۴. برای تفصیل آن بنگرید به مقاله «بررسی و تقد آیات خلافت و ولایت...»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، شماره اول (پیاپی ۹)، ۱۳۸۷، صص ۲۷-۴۶.
۵. تدلیس بر دو قسم است: یکی آن است که آدمی از کسی که ملاقات کرده، چیزی را که نشنیده، یا از کسی که هم عصر اوست و او را ملاقات نکرده، روایت کند. مقاتل از کلبی چیزی نشنیده بود و مجاهد را ملاقات نکرده بود، و از آنان روایت می کرد. (عاملی، بی تا، ص ۱۱۴؛ داماد، ۱۴۰۵ق.، ص ۱۶۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰ق.، ص ۱۲۰)
۶. احتمالاً منظور مسجدی در بیروت است؛ زیرا در آن زمان، بیروت مساجد متعدد نداشته است تا نام یکی از آنها مسجد بیروت باشد.
۷. دهخدا در معنای انتحال می نویسد: چیز کسی را جهت خود دعوی کردن. شعر دیگری را بر خود بستن. سخن کسی دیگر بر خویشتن بستن. سرقت ادبی. (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۴).
۸. شاید تفسیر فراء اولین تفسیری است که آیات قرآن را به ترتیب، تفسیر کرده و دامنه تفسیر آیه را گسترده است؛ درحالی که تفاسیر گذشته ناپیوسته اند و تنها به تفسیر آیات مشکل و مبهم پرداخته و شامل همه آیات به صورت پی درپی نیستند. (معرفت، ۱۴۱۸ق.).
۹. وی فقط یک بار نام مقاتل بن سلیمان را نقل کرده، و در سایر موارد فقط به مقاتل اکتفا کرده است. اما از آنجا که نام «مقاتل بن حیان» را کامل بیان کرده، و مقایسه آرای مقاتل، با نقل وی می توان پی برد، منظور وی مقاتل بن سلیمان است.
۱۰. وی یک مورد به عنوان «مقاتل ازدی»، ۵ مورد «مقاتل بن سلیمان»، یک مورد از مفسرین عامه و در سایر موارد «مقاتل» از او نقل کرده است.
۱۱. این مطلب با بررسی همه تفسیر استخراج شده است؛ در زمان حیات مقاتل، نسخ بر تخصیص، تقیید، مبهم، تفصیل و مجمل نیز اطلاق می شده است.
۱۲. علامه طباطبایی می نویسد: حروف مقطعه فواتح سور، مدلول لفظی ندارند. و در اسلام شنیده نشده کسی از حروف مقطعه فواتح سور، چنین استفاده تأویلی بنماید. (طباطبایی، ۱۳۵۰، ص ۲۸)

۱۳. خلاصه این حدیث جعلی آن است که پیامبر خدا(ص) در مکه، مشغول خواندن سوره «النجم» بودند، وقتی به آیاتی که نام بت‌های مشرکان در آن بود، رسیدند: «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ» (النجم: ۲۰-۱۹)؛ شیطان این دو جمله را بر زبان او جاری ساخت: «تلك الغرائق العلی و ان شفاعتهن لترتجی»: اینها پرندگان زیبای بلند مقامی هستند و از آنها امید شفاعت می‌رود. در این هنگام، مشرکان خوشحال شدند و گفتند که محمد(ص) تاکنون نام خدایان ما را به نیکی نبرده است. در این هنگام پیامبر(ص) سجده کرد و آنها هم سجده کردند. جبرئیل نازل شد و اظهار کرد که این دو جمله را من برای تو نیاورده بودم. این از القائنات شیطان بود و آیات ۵۴-۵۲ سوره حج نازل شد. (ابن اثیر، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۵)

برخی مخالفان، این افسانه ساختگی را با آب و تاب فراوان ذکر کرده‌اند؛ ولی قرائن فراوان نشان می‌دهد که این روایت مجعول برای بی اعتبار ساختن مسلمین و قرآن و پیامبر(ص) ساخته شده است؛ زیرا:

۱. به گفته محققان، راویان این حدیث ضعیف، غیر قابل اطمینان‌اند؛ ۲. آیات آغاز سوره نجم، صریحاً این خرافات را ابطال می‌کند «و ما یطق عن الهوی * ان هو الا وحی یوحی» (نجم: ۴-۳): پیامبر(ص) از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید، آن چه می‌گوید، تنها وحی الهی است؛ ۳. آیاتی که بعد از ذکر نام بت‌ها در این سوره آمده است، همه بیان مذمت بت‌ها و زشتی و پستی آنهاست؛ ۴. احادیث متعددی در مورد سوره نجم و سپس سجده کردن پیامبر و مسلمین در کتاب‌های مختلف نقل شده و در هیچ یک از آنها سخنی از افسانه غرائق نیست و این نشان می‌دهد که این جمله بعداً افزوده شده است. (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۵۰؛ رامیار، ۱۳۵۴)

۱۴. ام حبیبه (رمله) دختر ابوسفیان به همراه شوهرش عبدالله بن جحش به اسلام گروید و در اثر آزار مشرکان مکه به حبشه هجرت نمود. شوهر ام حبیبه در حبشه مسیحی شد و در همان‌جا درگذشت، و ام حبیبه بی سرپرست ماند. رسول خدا(ص) وقتی از این واقعه آگاهی یافت، شخصی را به حبشه فرستاد و از ام حبیبه خواستگاری کرد... هنگامی که ابوسفیان برای تمدید مدت پیمان صلح با مسلمین، به مدینه آمده بود، به خانه دخترش، ام حبیبه، رفت و خواست روی بستر پیامبر بنشیند، اما ام حبیبه بی درنگ آن را جمع کرد و گفت: «این بستر رسول خداست و سزاوار نیست مردی کافر و مشرک بر آن بنشیند. ابوسفیان از این رفتار دخترش سخت برآشفته و خانه وی را ترک کرد.

۱۵. مرسل حدیثی است که یکی از صحابه در سلسله سند ساقط شده باشد و علت ضعف آن عدم اتصال سند است. (غفاری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۶؛ خطیب بغدادی، ۱۳۸۶ق، ص ۳۷؛ الحاج حسن، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۳۱)
۱۶. مرفوع حدیثی را گویند که منسوب به پیامبر(ص) باشد و از سلسله آن یک راوی یا بیشتر افتاده باشد (غفاری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۸).

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب.
- ابن حبان، محمد (۱۹۹۳م)، صحیح ابن حبان، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحرير و التنویر، بی جا.
- ابن عدی، عبدالله (۱۴۰۹ق)، الکامل فی الضعفاء الرجال، بیروت: دار الفکر.
- ابن سعد، محمد (بی تا)، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (ابن یعقوب وراق) (بی تا)، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی جا.
- ترندک، جواد (۱۳۷۸)، تفسیر سعید بن جبیر و نقش آن در تطوّر تفسیر، تهران: پیام آزادی.
- تستری، محمدتقی (بی تا)، قاموس الرجال، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی.
- تهرانی، آقابزرگ (بی تا)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت: دارالاضواء.
- حاج حسن، حسین (۱۴۰۵ق)، نقد الحدیث، تحقیق با نظارت عبدالمجید ترکی، بیروت: مؤسسه وفاء.
- حجتی، سید محمدباقر (۱۳۶۰)، سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، تهران: بنیاد قرآن.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دهخدا، محمد (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- ذهبی، محمدحسین (۱۴۰۹ق)، التفسیر و المفسرون، قاهره: مکتبه وهبه.
- ذهبی، محمدحسین (۱۳۸۲ق)، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد، البجاوی، بیروت: دارالمعرفه.
- ربانی، محمدحسن (۱۳۸۰)، ربانی، دانش درایة الحدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- رازی، شیخ احمد (۱۳۷۱)، الجرح و التعديل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- زرکلی، خیرالدین (۱۴۲۰ق.)، الاعلام قاموس تراجم، بیروت: دارالعلم.
- زمخشری، جارالله ابن القاسم محمود بن عمر (۱۴۰۷ق.)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب.
- ژیلیو، کلود (۱۳۸۱)، مقاتل مفسر بزرگ، محدث و متکلم مطرود، ترجمه فاطمه تهامی، آیینہ پژوهش، ش ۷۶.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق.)، اصول الحدیث و احکامه، قم: لجنة اداره الحوزه.
- سزگین، فؤاد (۱۴۱۲ق.)، تاریخ التراث العربی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا)، الاتقان فی علوم القرآن، قم: منشورات رضی.
- شایسته نژاد، علی اکبر (۱۳۸۷)، بررسی و نقد آیات خلافت و ولایت، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۹.
- شحاته، عبدالله محمود (۱۴۲۳ق.)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: داراحیاء التراث.
- شحاته، عبدالله محمود (۱۹۸۶م.)، علوم التفسیر، قاهره: مکتب نهضة الشرق.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق.)، فتح القدير، دمشق: دار ابن کثیر.
- صدوق، محمد (۱۳۷۸ق.)، عیون اخبار الرضا، قم: انتشارات جان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۲۲ق.)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۴ق.)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۰)، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۰۳ق.)، مجمع البیان فی علوم القرآن، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق.)، رجال، تصحیح زنجانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عجلی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۹ق.)، معرفة الثقات، مدینه: مکتبه الدار.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۴ق.)، تهذیب التهذیب، بیروت: دارالفکر.
- عقیلی، محمد بن عمرو (۱۴۱۸ق.)، الضعفاء الکبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹)، تلخیص مقباس الهدایه، تهران: صدوق.

- قطب، سيد (١٤٠٠ق.)، في ظلال القرآن، بيروت: دارالشروق.
- قرطبي، احمد بن محمد (١٣٦٤)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- قمي، عباس (١٤١٤ق.)، سفينة البحار، قم: اسوه.
- كخاله، عمر رضا (بي تا)، معجم المؤلفين تراجم مصنفى الكتب العربيه، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- كلينى، ابوجعفر (١٣٨٨ق.)، كافي، تصحيح على اكبر غفارى، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- مجاهد، ابن المصباح (بي تا)، تفسير مجاهد، اسلام آباد: مجمع البحوث الاسلاميه.
- مجلسى، محمدباقر (١٤٠٣ق.)، بحار الانوار الجامعة لعلوم الائمة الاطهار، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- المزى، ابوالحجاج يوسف (١٤٠٦ق.)، تهذيب الكمال، تحقيق دكتور بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسه الرساله.
- معرفت، محمدهادى (١٤١٨ق.)، التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب، مشهد: الجامعة الرضويه للعلوم الاسلاميه.
- معرفت، محمدهادى (١٣٨٠)، تفسير و مفسران، قم: التمهيد.
- مقاتل، بن سليمان (١٤٢٣ق.)، تفسير مقاتل، تحقيق محمود عبدالله شحاته، بيروت: دار احياء التراث.
- نورى طبرسى، ميرزا حسين (١٤٠٨ق.)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت: مؤسسه آل البيت.
- هاشمى، محسن (١٣٨٠)، تفسير مقاتل، جمع بين مأثور و معقول، گلستان قرآن، ش ٧٥.